

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران /
[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

به نام خدا

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

درس سوم (آزادی)

لحن شعر : وطنی (میهنی)

نوع ادبی : پایداری / قالب : غزل اجتماعی

قافیه های غزل : وطن، من ، چمن، بیت الحزن، کفن، اهرمن / ردیف : است

وزن شعر : فاعلاتن ، فعلاتن، فعلاتن، فعلا / بحر رمل مثنی مخبون محذوف (ویژه رشته انسانی)
دانش افزایی :



زندگی نامه عارف قزوینی

ابوالقاسم عارف قزوینی (۱۳۰۰ - ۱۳۵۳ ه. ق) شاعر و تصنیف ساز معروف مشروطه است. عارف از ۱۶ سالگی به شعر روی آورد « صدایی خوش داشت و به همین دلیل مورد توجه مظفردالدین شاه قرار گرفت. با زمزمه مشروطه به جرگه ی آزادیخواهان پیوست و شعر و موسیقی را به خدمت انقلاب در آورد. ترانه های میهنی او قابل توجه است. شعر زیر در قالب غزل نمونه ای از اشعار وطنی اوست که به سلطه ی بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه به خصوص در بیت آخر اشاره دارد

منبع : کتاب فارسی اول دبیرستان نظام قدیم

تنظیم فرحناز حسینی ، استان البرز، کرج

آزادی

مسلک مرغ گرفتار قفس، هم چو من است

۱- ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است

قلمرو زبانی :

مسلک : روش، هم خانواده: سلوک ، سالک / بیت دو جمله / ناله : هسته / مرغ: مضاف الیه، / اسیر : صفت مضاف الیه
/ ناله مرغ: ترکیب اضافی / مرغ اسیر: ترکیب وصفی / بهر: حرف اضافه / وطن : (متمم اسنادی: متممی که در
جایگاه مسند است) / مسلک مرغ گرفتار: مسلک : هسته. مرغ: مضاف الیه . گرفتار صفت ، قفس مضاف الیه صفت /
مسلک مرغ: ترکیب اضافی / مرغ گرفتار: ترکیب وصفی / گرفتار قفس: ترکیب اضافی / تناسب: مرغ ، اسیر، قفس / این
همه : قید /

*در هر گروه اسمی به تعداد صفت ها، ترکیب وصفی و به تعداد اسم ها یا ضمائر پس از هر اسم ، ترکیب
اضافی داریم .

قلمرو ادبی :

مراعات نظیر: مرغ، اسیر ، قفس / استعاره و مجاز به علاقه شباهت : مرغ اسیر : شاعر (عارف قزوینی) و هر اسیر در
بند / ناله : استعاره از شعر / مصرع دوم تشبیه و تشخیص / تکرار: مرغ

قلمرو فکری:

ناله و زاری پرندۀ گرفتار (شاعر) به خاطر وطن است، روش پرندۀ ای اسیر در قفس نیز مانند من به خاطر وطن
است .

تناسب دارد با ابیات:

*هر که را مهر وطن در دل نباشد کافر است / معنی حب الوطن فرموده پیغمبر است

*در ره عشق وطن از سر و جان خاسته ایم / تا در این ره چه کند همت مردانه ما

۲- همت از باد سحر می طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

قلمرو زبانی:

همت: کمک (هم خانواده:اهتمام / طرف: کنار، کناره / بیت: ۳ جمله / همت، خبر: مفعول / باد: متمم /
سحر: مضاف الیه / بادسحر: ترکیب اضافی / طرف: چمن: ترکیب اضافی / جمله مرکب (گر، که : پیوند های وابسته
ساز)

قلمرو ادبی:

تشخیص در بیت (شخصیت بخشیدن به باد به جهت کمک طلبیدن از باد سحر) / بادسحر: نماد پیام رسانی
همت طلبیدن: کنایه از انتظار کمک داشتن / به طرف چمن بودن: کنایه از آزاد بودن / چمن: استعاره از ایران /

قلمرو فکری:

از باد صبح گاهی انتظار دارم که خبر گرفتاری مرا به رفیقم که در کنار چمن آزاد است ببرد . (مفهوم: انتظار
داشتن از دوستان جهت یاری ورهایی وی از زندان)

۳- فکری ای هم وطنان ، در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس نکند، مثل من است

قلمرو زبانی:

بیت: ۴ جمله / هم وطن: منادا (= واژه وندی) / ره آزادی خویش: (ره: هسته ، آزادی: مضاف الیه ، خویش
مضاف الیه مضاف الیه = ۲ ترکیب اضافی) / هر کس [فکری برای آزادی خویش]: حذف قسمتی از جمله به
قرینه لفظی / مثل: حرف اضافه و ادات تشبیه / نکند: (فکری) نکند (حذف به قرینه لفظی)، چاره جویی نکردن

قلمرو ادبی:

مصرع دوم : تشبیه

قلمرو فکری:

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران /

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

ای هم میهنان برای آزادی خود چاره ای بیندیشید؛ زیرا هرکس برای آزادی فکری نکند مانند من اسیر می شود. (مفهوم: عارف قزوینی از دوستانش و مردم که مانند او دغدغه آزادیخواهی را ندارند و کاری نمی کنند؛ شکایت می کند، توصیه به حرکت و قیام)

۴- خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

قلمرو زبانی:

کاو: مخفف که او ، آوردن ضمیر شخصی برای غیر جاندار / اجانب: بیگانگان (ج: اجنبی) / بیت الحزن: خانه غم و اندوه / دست اجانب: دست هسته ، اجانب مضاف الیه = ترکیب اضافی / خانه ای: نهاد / آن خانه: ترکیب وصفی / آباد: مسند / جمله مرکب / از : به / تناسب: اشک ، بیت الحزن

قلمرو ادبی:

استعاره: خانه : کشور، وطن / استعاره : بیت الحزن: کشور غم زده ایران / تضاد: آباد، ویران / اغراق در کل بیت. / تکرار: خانه/مراعات نظیر: اشک ، بیت الحزن

قلمرو فکری:

آن کشوری (خانه) به دست بیگانگان آباد شود، خانه غم است و باید با اشک آن را ویران کنی .
(مفهوم کلی بیگانه ستیزی و به آزادیخواهان به نوعی هشدار داده می شود)
تناسب:

*پایداری نیست در آب و گل بنیاد ظلم/ می کند ویران نسیمی خانه صیاد را «صائب تبریزی»

۵- جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

قلمرو زبانی:

جامه: نهاد، از نظر واژه در گذر زمان: حفظ معنای قدیم (پ) / جامه ای: فرایند واجی/وطن: متمم / غرقه به خون: مسند / او: بدل / کم: کم تر (= صفت تفضیلی) / ننگ تن: ترکیب اضافی / آن جامه در مصرع دوم: مفعول/مصرع اول شیوه بلاغی/بدر: فعل امر/ (جامه کم از کفن است: جامه نهاد محذوف)

قلمرو ادبی:

مراعات نظیر: غرقه به خون، کفن/کنایه: غرقه به خون شدن: کشته شدن / کنایه: کم از کفن بودن: بی ارزشی

/ واج آرایبی: صامت «ک» / احسن تعلیل

قلمرو فکری:

آن لباسی که به خاطر حفظ وطن به خونت آغشته و مالیده نشود (به خاطر شهید شدن خون آلود نشود) ارزشی کمتر از کفن دارد و باعث بی آبرویی است، پس آن را باید پاره کنی. (مفهوم کلی: وطن پرستی یا ناسیونالیسم افراطی)

تناسب:

* سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است صحیح / نتوان مرد به سختی که من اینجا زادم

* جان سپارم به خاک پاک وطن / دفن گردم به زیر خاک وطن

* آتش حب الوطن چون شعله فروزد / از دل مومن کند به مجمره اسپند

۶- آن کسی را که در این مُلک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

قلمرو زبانی:

اهرمن (= اهریمن): شیطان / آن کسی: مفعول / این ملک: ترکیب وصفی و متمم / سلیمان: مسند / ۳ جمله / تناسب: ملک ، سلیمان /

قلمرو ادبی:

این مُلک: ایران / استعاره: سلیمان: محمد علی شاه / سلیمان کردن: کنایه از به پادشاهی و حکومت رساندن / سلیمان: نماد قدرت / تلمیح: سلیمان اشاره دارد به داستان حضرت سلیمان (ع) که مدتی انگشترش که نام اعظم خداوند بر آن حک شده بود، به دست دیوی به نام « صخر جنی » افتاده بود و مردم به اشتباه فکر می کردند که او به خاطر داشتن انگشتری همان سلیمان (ع) است . / مراعات نظیر: ملک، سلیمان، ملت

قلمرو فکری:

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران/

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi)

آن کسی (محمد علی شاه) را که در این کشور مانند سلیمان پادشاه خود کردیم ، امروز همه مردم اطمینان پیدا کردند که او شیطان است . مفهوم: اشاره به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه قاجار.

دیوان اشعار ابوالقاسم عارف قزوینی

زندگینامه ی فرخی یزدی

میرزا محمد متخلص به فرخی ، فرزند محمد ابراهیم ، در سال ۱۳۰۶ ه.ق. در یزد متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فرا گرفت. به علت اشعار شور انگیز وطنی که می سرود واز آزادی دفاع می کرد مورد تعقیب و آزار مستبدین بویژه ضیغم الدوله ی قشقایی حاکم یزد قرار گرفت

وی در اواخر سال ۱۳۲۸ ه.ق به تهران آمد و ودر جراید اشعار آبدار و مقالات آتشین موجب توقیف روزنامه ی طوفان گردید. سرانجام طومار عمر این شاعر آزاده در سال ۱۳۱۸ شمسی در زندان در هم پیچیده شد. علت مرگش را بیماری مالاریا ذکر کردند ولی حقیقت این است که پزشک احمدی به وسیله ی آمپول هوا با کمک عده ای وی را به قتل رسانید

منبع : ادبیات معاصر ایران ، دکتر اسماعیل حاکمی ، ص ۳۵

تنظیم: فرحناز حسینی ، کرج ، گروه دبیران ادبیات ایران



[کانال ادبیات جامع یازدهم و دوازدهم](https://t.me/adabiyatiame1)

دفتر زمانه

نوع ادبی: ادبیات پایداری

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران/

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

قالب:غزل اجتماعی، محتوای کلی درس:مسائل اجتماعی از قبیل : ارزش علم و اندیشه، قناعت ورزی و عدالت و دادگری

کلمات قافیه:غم،کم،صاحب قلم، محترم، جم، ثابت قدم

وزن شعر: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (ویژه رشته انسانی)

۱-هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

قلمرو زبانی

هرگز:قید/ کم و بیش:تضاد/ کم و بیش در مصرع اول:متمم/غم در مصرع اول:غم تعلقات مادی/ در مصرع دوم
بیش و کم: مضاف الیه /غم:مفعول(هسته) در اینجا به معنی فکر و اندیشه/کم و بیش: تعلقات دنیایی ومال و
ثروت دنیایی/هر سه غم:مفعول

قلمرو ادبی

کم و بیش:تضاد / آرایه عکس (کم و بیش ، بیش و کم) غم:تکرار/کنایه:کم و بیش : دارایی و ثروت و نعمت
های دنیا

قلمرو فکری

هیچ وقت دلم برای تعلقات دنیا، غمگین و افسرده نبود و غم آن را نخورده ام. آری دلم غم و اندوه نداشت تا از
بیش و کم آن سخن به میان آید و درباره اش فکر کنم (و شاد بودم). (مفهوم:بی توجهی به دنیا موجب شادی
می شود ، عدم تعلق خاطر به مادیات دنیا،قناعت ورزی)

تناسب با:

*خاطر آزادگان بندکم و بیش نیست / مردم کوته نظر در غم بیش و کمند«فروغی بسطامی»

*ما فراغ از غم بیش و کم عالم داریم / غم نداریم اگر بیش و گر کم داریم «محمد فضولی»

۲- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

قلمرو زبانی

بیت ۲ جمله / نامش : نام: نهاد، ش: مضاف الیه (جهش ضمیر ندارد) /فتد: می افتد (مضارع اخباری، دستور تاریخی) مردم :مفعول (هسته)، صاحب قلم صفت مرکب (وابسته پسین)/واج آرایبی صامت «م»/ هرملتی: نهاد، هر: صفت مبهم، ملت: هسته

قلمرو ادبی

دفتر زمانه: اضافه تشبیهی (تشبیه فشرده) / کنایه : از قلم افتادن : محو شدن نام ، فراموش شدن / کنایه : صاحب قلم : شاعران و نویسندگان / مراعات نظیر: دفتر، قلم، صاحب قلم/ تلمیح به آیه: نون والقلم و ما یسطرون

قلمرو فکری

هر ملت و کشوری، انسان های آگاه قلم به دست نداشته باشد و اهل دانش نباشد؛ نام آن ملت و آن کشور، از صفحات تاریخ حذف می شود و نابود می شود. (مفهوم: ستایش علم و خرد و دانش نویسنده و ارزشمندی او، بی ارزش دانستن نویسندگان در جامعه موجب نابودی آن جامعه می شود)

۳- در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

قلمرو زبانی

اهل خرد: خردمندان/ بیت ۲ جمله، «یک جمله مرکب» / چون بیت جمله مرکب «غیر ساده» است مصرع دوم یعنی «هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت» نهاد و محترم در مصرع اول «مسند» است / فکر: در اینجا اندیشه و عقیده / پیشگاه اهل خرد: پیشگاه: هسته، اهل وابسته پسین از نوع مضاف الیه، خرد : وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه / فکر جامعه : ترکیب اضافی / خرد، فکر: تناسب

قلمرو ادبی

مجاز: جامعه: مردم جامعه/ تکرار: محترم

قلمرو فکری

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران/

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

براستی هر انسانی که به جامعه و تفکر جامعه خویش احترام نگذارد در نزد دانایان و خردمندان قابل احترام و ارزش نیست. (مفهوم: احترام گذاشتن به عقاید مردم و افکار عمومی)

۴- با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

قلمرو زبانی

بیت ۳ جمله / جمشید جم : سلطان و پادشاه بزرگ (شید : درخشان و درخشنده ، جم:اولین فردی است که اهورا مزدا دین خود را به او سپرد) توجه: کاربرد ترکیب « جمشید جم» صحیح نیست زیرا « جم » مخفف «جمشید» است و آوردن این دو واژه کنار هم مناسب نیست ./فراغت (آسودگی خاطر):اهمیت املایی دارد /تناسب : جیب و مال، جام و می، جام و جم/ نوع واو در مصرع اول :واو عطف/ نوع « را»مارا فراغتی است:را مالکیت /جیب:نهاد، تهی :مسند، مصرع دوم جمله آخر: جمشید :نهاد، جم:مضاف الیه، فراغت: مفعول و محذوف در جمله آخر

قلمرو ادبی

لف و نشر مرتب:جیب لف ۱ و جام لف ۲ ، مال نشر ۱ و می نشر ۲ / تلمیح :داستان جمشید/ جناس ناهمسان :جام ، جم /واج آرای صامت «ج»/کنایه :جیب تهی از مال:فقر و بی چیزی/ کنایه:جام تهی از می:عدم خوشی و سرمستی / اغراق: مصرع دوم/

قلمرو فکری

با وجود این که تمام هستی من از ثروت و خوشی های دنیا خالی است ، آسایش و آرامشی دارم که جمشید (=پادشاه پیشدادی) چنین آسایشی نداشت .(مفهوم: رهایی از تعلقات دنیایی موجب آرامش می شود، ترجیح آسودگی فکری به ثروت و خوشی های زود گذر دنیا)
تناسب با:

*غلام همت آنم که زیر چرخ کبود /زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است .

*زیر بارند درختان که تعلق دارند/ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد.

۵-انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی ، موافق ثابت قدم نداشت

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران /

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

قلمرو زبانی

موافق: هم رای و همراه/ثابت قدم:ثابت رای و ثابت عزم ، دارای اراده قوی/ بیت ۲ جمله / رابطه بین کلمات داشت و نداشت :تضاد، انصاف و عدل :تناسب/ثابت قدم :ثابت عزم ، ثابت رای /موافق ثابت قدم :ترکیب وصفی/ثابت قدم :مركب/ انصاف :نهاد ، عدل :معطوف به نهاد/ انصاف و عدل:واو عطف / موافق :مفعول

قلمرو ادبی

تضاد:داشت ، نداشت /کنایه :ثابت قدم : مصمم و استوار/ فرخی :تخلص /تشبیه در مصرع دوم /مراعات نظیر:انصاف،عدالت / تکرار:موافق /

قلمرو فکری

انصاف و عدل، موافق و طرفدار بسیار داشت اما موافق و طرفداری مانند فرخی، پایدار و ثابت قدم و وفادار نداشت (هیچ کس مثل فرخی در این راه پابرجا و ثابت قدم نیست)

(مفهوم :عدالت خواهی و شاعر جان خود را برای عدالت گذاشته است .)

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- واژه «همت» را در بیت های زیر بررسی کنید

الف- همت اگر سلسله جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود «وحشی بافقی»

ب-همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس/ که دراز است ره مقصد و من نو سفرم «حافظ»

در بیت الف:تلاش و کوشش / ب:اراده(اصطلاح عرفانی کوشش دل)

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران/

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

۲- در بیت زیر، «نهاد» و «مسند» را مشخص کنید .

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت

چون بیت جمله مرکب «غیر ساده» است مصرع دوم یعنی «هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت»

نهاد و محترم در مصرع اول «مسند» است. {چه کسی محترم نیست؟ هرکس که فکر جامعه را

محترم نداشت = نهاد}

۳- در کدام بیت ها ، یکی از ارکان جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

بیت ۳ فکری ای هم وطنان ، در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس نکند ، مثل من است (هرکس

فکری برای خود نکند: حذف مفعول به قرینه لفظی)

بیت ۴ خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد / زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

(زاشک ویران کنش : حذف نهاد به قرینه لفظی)

بیت ۵ جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است (جامه

کمتر از کفن است : حذف نهاد به قرینه لفظی)

قلمرو ادبی

۱- کدام یک از ترکیب ها و واژه های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

الف - تالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس ، هم چو من است

مرغ اسیر چون منظور شاعر است و ترکیب در معنای غیر واقعی خودش به کار رفته است . شاعر برای

بیان آزادی خود، خود را همچون پرنده ای در قفس می داند . مرغ گرفتار در معنی حقیقی به کار

رفته است .

ب- بدین شکسته بیت الحزن که می آرد نشان یوسف دل از چه زرخدانش؟ «حافظ»

بیت الحزن مجاز از دل و در معنای واقعی خود به کار نرفته است .

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران/

[کانال](https://t.me/tarighatfarsi) [طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi)

پ- در بیت الاحزان در آمد و نالید؛ چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید. «قصص الانبیا»

معنای واقعی خانه ای که حضرت یعقوب (ع) ساخت وبه خاطر گریه های زیادش در فراق فرزندش ، حضرت یوسف (ع)، آن خانه ماتمکده شد.

۲- با توجه به بیت های زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

الف- درباره تلمیح به کار در بیت اول توضیح دهید

جمشید پادشاه پیشدادی جامی داشت منسوب به جام جم که با نگاه کردن به آن نادیده ها را می دید .

ب- مصرع های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید.

بیت اول مصرع اول : خالی بودن تمام هستی از از ثروت و طرب «جیب تهی از مال:کنایه از فقر و بی چیزی / جام تهی از می:کنایه از عدم خوشی و مستی»

بیت دوم مصرع اول :از دفتر زمانه افتد کنایه از محو شدن و فراموش شدن

تلمیح فخری

۱- شعر «آزادی» نمونه ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت های زیر را بنویسید .

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران /

[کانال](https://t.me/tarighatfarsi) طریقت فارسی <https://t.me/tarighatfarsi>

آن کسی (محمد علی شاه) را که در این کشور مانند سلیمان پادشاه خود کردیم ، امروز همه مردم اطمینان پیدا کردند که او شیطان است . مفهوم: اشاره به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه قاجار.

خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

آن کشوری (خانه) به دست بیگانگان آباد شود، خانه غم است و باید با اشک آن را ویران کنی .

(مفهوم کلی بیگانه ستیزی و وطن پرستی و به آزادیخواهان به نوعی هشدار داده می شود)

۲- در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف- رفیقی که به طرف چمن است : دوستان افرادی که آزاد هستند و نسبت به کشورشان بی تفاوت هستند و برای آزادی تلاشی نمی کنند.)

ب- مردم صاحب قلم: نویسندگان و انسان های آگاه و متفکر .

۳- به غزل هایی که محتوای آن ها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، **غزل اجتماعی** می گویند ؛ در عصر مشروطه با توجه به دگر گونی های سیاسی و اجتماعی ، این نوع غزل رواج یافت ؛ در سروده های شاعرانی چون محمد تقی بهار، عارف قزوینی و فرخی یزدی می توان نمونه های آن را یافت .

از این دیدگاه ، متن درس را تحلیل و بررسی کنید .

محتوای درس مانند درون مایه غزل اجتماعی، آزادی: وطن پرستی ، بیگانه ستیزی و نفرت از حاکمان زورگو است. فریاد آزادی خواهی در شعر و روشنفکری و دعوت به اتحاد مردم و مبارزه برای آزادی در شعر دیده می شود.

۴- فرخی یزدی، در بیت آخر ، خود را با کدام ویژگی معرفی می کند؟

موافق ثابت قدم و عدالت خواه (کسی چون او در راه عدالت ثابت قدم نبوده است)

فارسی دوازدهم ، درس سوم : آزادی ، دفتر زمانه ، گروه دبیران ادبیات ایران /

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>

۵- باتوجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

جامه ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است «عارف قزوینی»

فرخی زجان و دل می کند در این محفل دل نثار استقلال، جان فدای آزادی « فرخی یزدی»

ایثار و جان فشانی در راه وطن و آزادی، بیگانه ستیزی ، میهن دوستی، وطن پرستی افراطی

به کوشش : فرحناز حسینی ، استان البرز، کرج

گروه دبیران ادبیات ایران ، تاریخ کارگاه ۹۷/۶/۴

[کانال طریقت فارسی](https://t.me/tarighatfarsi) <https://t.me/tarighatfarsi>